

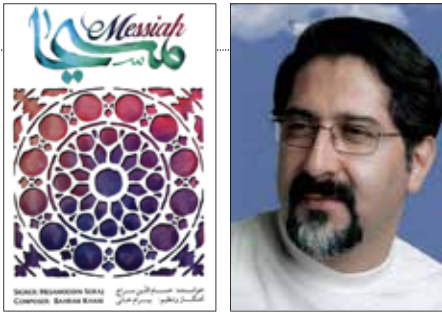
هنر در ذات خود دینی است

آلبوم موسیقایی «مسیح» تازه‌ترین اثر حسین‌الدین سراج و آهنگسازی پهنام خانی یکی از پر فروش‌ترین آلبوم‌های موسیقی در هفته گذشته بود.

حسام‌الدین سراج درباره استقبال مردم از این آلبوم می‌گوید: موفقیت یک اثر ارتباط مستقیم با ذوق هنری مردم دارد و بازتاب هر اثری چه مذهبی چه غیرمذهبی را در همین ذوق باید جستجو کرد؛ «مسیح» هم مخاطب خاص خود را دارد و با لحاظ کردن ذوق و علائق دینی آن‌ها موفق شده است. در مدت کوتاهی که «مسیح» وارد بازار شده بازتاب‌های خوبی از این طرف‌اندازش گرفته و سراج امیدوار است به‌زودی قطعات این آلبوم را در کنسرتی اجرا کند.

پیش از این قرار بود مراسم رونمایی این آلبوم همراه با کنسرت برگزار شود، اما ظاهراً به‌دلیل مشکلات مالی و تأخیر حوزه هنری در انتشار آن، کنسرت یادشده به تعویق افتاده است. این مجموعه روایتگر داستان بانویی است که علاوه بر افتخار عروسی پیامبر اسلام (ص) به مقام مادی امام عصر ما، حجت باقی الهی حضرت محمد بن‌الحسن العسکری نیز مفتخر است. در کنار سروده‌های حافظ و سعدی، اشعار دیگر این اثر به‌وسیله سیدمرتضی میرفخرایی و آیت‌الله محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) و قیصر امین‌پور سروده شده است.

این خواننده و نوازنده سنتی نسبت به آینده موسیقی مذهبی و مناسبتی خوش بین است و معتقد است هنر در ذات خود دینی



است و با مداومت و پیگیری می‌توان به خلق آثار ارزشمند در این حوزه امیدوار بود. او قضاوت درباره ارزش هنری آثار تولید شده را به زمان می‌سپارد و می‌گوید این روزها گروه‌های مختلفی شروع به فعالیت و تولید آثار عاشق‌ورایی کرده‌اند که از میان آن‌ها تنها تعداد محدودی ماندگار می‌شوند. این‌را زمان مشخص می‌کند.

«مسیح» در دستگاه نوا با شعر حافظ و آهنگسازی حسام‌الدین سراج، «مقام شاه» در دستگاه نوا با شعر از کمپانی، «باد صبا» با شعر از کمپانی در دستگاه افشاری، «رویا» با شعر از سیدمرتضی میرفخرایی و قیصر امین‌پور در آواز دشتی، «دل آرام» با شعر کمپانی در دستگاه دشتی، «شعله آه» با شعر از

حرم» با شعر حافظ شامل آواز ماهور به همراهی سازهای سنتی و «شاهد غزل» با شعر کمپانی در دستگاه ماهور قطعاتی هستند که در این آلبوم موسیقایی منتشر شده‌اند. پهنام خانی نوازنده تار و سه‌تار و تنبور و عود، داود ورزیده نوازنده نی، کوروش بابایی نوازنده کامنچه، شاهرخ رستم و شهلا رضایی نوازنده تنبور، محمود فرهمند نوازنده تنبک، مسعود حبیبی نوازنده دف، سعید سرتابی نوازنده کوزه، میثم مروتی، علی جعفری و پدram فریوسفی نوازنده ویولن، سهراب برهنندی نوازنده ویولا، کریم قربانی، داود منادی نوازنده ویولن سل و زاله صادقیان دکلمه از دیگر عوامل اجرای آلبوم موسیقایی «مسیح» هستند.

یادداشت

صفی‌الدین ارموی شد سرقت شد



مهناز چتر فیروزه: شنیدن، ثبت و ضبط شخصیت‌های بزرگ ایرانی به نام قوم یا ملتی دیگر، برای ما ایرانی‌ها عجیب نیست، این‌که مولوی بشود شاعر و عارف ترک یا ابن سینا در فرهنگ لاروس بشود عرب، تاجیک‌ها به دنبال ثبت کمال‌الدین بهزاد نگارگر ایرانی به نام خود باشند یا صفی‌الدین ارموی نابغه موسیقی ایرانی بشود موسیقیدان ترک، عجیب نیست اما غم‌انگیز است.

در دنیای امروز که بحث دردی هویت‌ها مطرح است و بعضی از کشورها ارزش‌ها و شخصیت‌های یک قوم و یا یک ملت را می‌دزدند و به نام خود ثبت می‌کنند و حتی از اختراعات خود می‌دانند، ما نیازمند احیای ارزش‌های خود هستیم. نیاز است که نگاهی موثکافانه به تاریخ کشورمان بکنیم و به همه نشان‌دهیم ما ملتی هستیم که از زمان مادها و هخامنشیان دارای تمدن، علم و فرهنگ بوده‌ایم. ما ممانظور که میراث‌دار این تمدن هستیم بی‌شک باید حافظ آن برای نسل‌های بعدی باشیم. منظور از پاسداشت بزرگاری مراسمی مثل نماد بود یا بزرگداشت نیست، بلکه در کنار این معرفی باید به دنبال ایجاد نگاه تازه به این گنجینه‌ها باشیم تا از این طریق با نگاه تازه و دقیق به این شخصیت‌ها و آثارشان، جوان‌ترها یا هنرمندان را ترغیب به خلق اثر و پژوهش قابل استفاده کنیم.

صفی‌الدین ارموی نابغه ایرانی که توانسته تحول بزرگی در عرصه موسیقی به وجود آورد نه تنها در ایران بلکه در مناطق عراق، ترکیه، آذربایجان و در کل جهان موسیقی منشأ تأثیر بوده را هنوز بسیاری از ایرانی‌ها نمی‌شناسند، اما ترکیه که به دنبال ساخت هویت برای آیندگان خود است او را به خوبی شناخت، معرفی کرد و سال گذشته هم با پیگیری‌های مداوم مثل مولوی، این شخصیت برجسته ایرانی را هم به نام خود ثبت جهانی کرد.

ده سال پیش که همایش بین‌المللی صفی‌الدین ارموی از سوی فرهنگستان هنر برگزار شد، امید می‌رفت که این شخصیت بزرگ عالم موسیقی در میان مرزهای ایران نمی‌توانسته شود. آغاز حرکت‌هایی اینچنینی هر چند نیک است اما نیک‌تری می‌شود اگر این حرکت‌ها مدامت می‌داشت و به‌صورت یک خط مستقیم همه این سال‌های آمد ما به امروز نرسیده می‌شد. دیگر جرات در دین چنین گنجینه‌هایی را به خود دهند.

صفی‌الدین ارموی بلندهمتی بود که او را نقطه عطف تاریخ موسیقی ایران و حوزه اسلامی می‌دانند و آن‌ها که او، کنسرت سمفونیک بود اما... مشکل این است که متأسفانه ما ایرانی‌ها مرده‌پرست هستیم. تا بزرگان زنده هستند هیچ‌کس به فکر نیست، اما بعد از مرگ همه چیز تغییر می‌کند و این یک روحیه عمومی است. منوچهر صهبایی می‌گوید: پیش از مرگ استاد خورشیدفر، من اسم ایشان را در فهرست گروه جدیدار کنسرت سمفونیک تهران گذاشته بودم. چون بسیار فعال بودند و تا اواخر زندگی‌شان به خوبی کار می‌کردند و ساز می‌زدند. صهبایی در ادامه با اشاره به این‌که قدر خورشیدفر را در زمان حیات ندانستند، افزود: معمولاً قدر کسی را نمی‌دانیم؛ هر چند تا همین اواخر تلاش‌هم بر این بود تا بعد از تشکیل ارکستر سمفونیک جدید از خورشیدفر استفاده کنیم، ولی نگرانی ایشان از این بود که شاید به دلیل مشکلات جسمانی نتوانند سر تمرینات حضور پیدا کنند، یا این حال من اسم ایشان را در فهرست نوازنده‌های منتخب گذاشتم، ولی



علیرضا خورشیدفر نوازنده پیشکسوت کنترپاس و از هنرمندان قدیمی ارکسترهای ملی و سمفونیک، روز ۵ آذر به دلیل سکت قلبی در گذشت. او علاوه بر نوازندگی کنترپاس در اجرای سوت با بسیاری از آهنگسازان همکاری کرد. سوت‌نوازی او در موسیقی فیلم‌های «از کرخه تا راین» اثر مجید انتظامی و «سفر به جزایر» اثر بیروزار جمنند خاطرهای جاودان از این هنرمند به جای گذاشته است. پیکر این هنرمند امروز شنبه ۸ آذر مقابل تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تشییع خواهد شد.

رازمیک اوهایان رهبر کر دفتر موسیقی

نگذار یاد اساتید فراموش شوند

رازمیک اوهایان با اشاره به این‌که در ارکستر سمفونیک حرفه‌ای زیادی زده‌ام، اما هیچ اتفاقی نیفتاده است، گفت: حرف‌های زیادی زده شده است و باید اجازه بدهیم تا آثار این سخنان را ببینیم.

رهبر کر دفتر موسیقی در مورد علیرضا خورشیدفر گفت: استاد خورشیدفر نماینده نسلی از موزیسین‌هایی بود که با دل و جان بسا کمترین امکانات برای حفظ شأن و روشن نگه داشتن چراغ ارکستر سمفونیک در اجراها همیشه حاضر بودند. در کنسرت‌هایی که با ایشان همکاری داشتم همیشه به عنوان شخصی اثرگذار و هدایت‌کننده برای نوازنده‌های جوان بودند. او ابراز امیدواری کرد که تا در آینده در زمان حیات اساتید از آن‌ها تقدیر بشود و نگذارند آن‌ها فراموش شوند. رازمیک اوهایان در پاسخ به این سؤال که ارکستر سمفونیک متعلق به کدام قشر از جامعه است گفت: شناخت کم مردم از موسیقی کلاسیک و مشکل شناساندن سازها به مردم باعث کم‌تر بودن رابطه بین مردم و موسیقی کلاسیک ملی شده است. ارکستر باید به مدارس، فرهنگسراها و جاهایی که مردم حضور دارند راه پیدا کند. در مدارس می‌توان در ساعات ورزش و ساعت‌های هنر، موسیقی کلاسیک پیش کرد تا زمانی که کودکان بزرگ شدند برای اولین بار با صداها و سازهای کلاسیک بر خورد نداشته باشند.

پیام‌های تسلیت بسیاری برای درگذشت علیرضا خورشیدفر از سوی مسئولان و هنرمندان عرصه موسیقی داده شده است.

پیام تسلیت معاون هنری وزیر ارشاد

در پیام علی مرادخانی آمده است: شنیدن خبر درگذشت انسانی لایق، متین و هنرمندی چیره‌دست همچون علیرضا خورشیدفر در این روزهای سخت که اخبار ناگوار در گذشت هنرمندان عزیز به گوش می‌رسد، بسیار تلخ بود. تردیدی در توانمندی او در نوازندگی نیست، اما سه صدر و رفتار متینش باعث شد که به قلب همکاران و دوستانش راه پیدا کند. می‌دانیم که این امر بسیار دشوارتر از هنرمند شدن است.

پیام تسلیت مدیر کل دفتر موسیقی وزارت ارشاد اسلامی

پیروز ارجمند در بخشی از پیام خود گفته است: «پاییز امسال، خزان بسیاری از هنرمندان را خود دید. کمتر از یک روز پس از آیین یادمان رهبر بی‌بدیل کر ارکستر سمفونیک تهران «گورگن موسسیان» از غروب آفتاب عمر «علیرضا خورشیدفر» باخبر شدیم. بی‌تردید، این هنرمند یکی از برجسته‌ترین نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و از زنده‌ترین پیشکسوتان عرصه موسیقی کلاسیک ایران بود. خبر درگذشت استاد «علیرضا خورشیدفر» که به‌حق مدتی نوازندگان کلاسیک دوران ما بود؛ قلب همه ما را زرده ساخت.»

تشییع جنازه هنرمند از مقابل تالار وحدت خورشیدفر همسفر خزان موسیقی ایران شد

خبر درگذشت علیرضا خورشیدفر نوازنده پیشکسوت که منتشر شد یادمانه‌ها مرگ در پاییز اکتبر رادی افتادم، شاید به دلیل اسم نماینده، شاید هم به دلیل تک جمله طلایی آن باشد که حکایت این روزها است «مرگ مت نسیمه مت به تار آبریشم که از لای سنگ در بیاد... آهسته می‌آد، آهسته می‌آد...» پاییز امسال برای جامعه هنری پاییز خوبی نیست: آهسته آهسته اساتیدان بزرگی را از ما می‌گیرد. هنوز از درگذشت گورگن موسسیان، رهبر کر ارکستر سمفونیک تهران، زمان زیادی نگذشته که خبر می‌رسد علیرضا خورشیدفر نوازنده پیشکسوت ارکستر سمفونیک تهران هم دیگر در میان ما نیست. علیرضا خورشیدفر سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شد. این هنرمند تبحر زیادی در نواختن ساز کنترپاس داشت و در گروه‌های موسیقی زیادی هنرنمایی کرده بود. بعد از تعطیلی ارکستر سمفونیک تهران زندگی بر او و هنرمندان هم ترازش سخت گرفت و سهمش از آن شد تنهایی و انزوا. مرگ این هنرمند پیشکسوت دلیلی شد تا به سراغ اهالی موسیقی برویم و درباره او، هنرش و وضعیت نوازندگان ارکستر سمفونیک گفتگو کنیم.

منوچهر صهبایی مدیر هنری رهبر ارکستر سمفونیک ایشان نوازنده ثابت ارکستر سمفونیک بود اما...

مشکل این است که متأسفانه ما ایرانی‌ها مرده‌پرست هستیم. تا بزرگان زنده هستند هیچ‌کس به فکر نیست، اما بعد از مرگ همه چیز تغییر می‌کند و این یک روحیه عمومی است. منوچهر صهبایی می‌گوید: پیش از مرگ استاد خورشیدفر، من اسم ایشان را در فهرست گروه جدیدار کنسرت سمفونیک تهران گذاشته بودم. چون بسیار فعال بودند و تا اواخر زندگی‌شان به خوبی کار می‌کردند و ساز می‌زدند.

صهبایی در ادامه با اشاره به این‌که قدر خورشیدفر را در زمان حیات ندانستند، افزود: معمولاً قدر کسی را نمی‌دانیم؛ هر چند تا همین اواخر تلاش‌هم بر این بود تا بعد از تشکیل ارکستر سمفونیک جدید از خورشیدفر استفاده کنیم، ولی نگرانی ایشان از این بود که شاید به دلیل مشکلات جسمانی نتوانند سر تمرینات حضور پیدا کنند، یا این حال من اسم ایشان را در فهرست نوازنده‌های منتخب گذاشتم، ولی

وای به حال جامعه‌های که فرهنگش راهبرش نباشد



محمد آذری: دغدغه‌ای که برای اکثر آهنگسازان موسیقی سنتی و جدی در حال حاضر وجود دارد، نبود سلیقه دست‌شنیداری در مردم است. به نظر من مسیبت اصلی این تربیت بد شنیداری، ناشیران و از همه مهم‌تر سیاست پخش

و تولید صدا و سیما در این سال‌ها بوده است که بدون توجه و با پیش از حد بها دادن به موسیقی پاپ - که با اشعار ضعیف و آهنگسازان بدون ریشه انجام شده و اکثر محتوای ملودیک تقلیدی از کشورهای همسایه به‌ویژه ترکیه و یونان است - پدید آمده‌است.

این‌گونه سیاست‌ها در دورانی شکل گرفت که موسیقی دانان قدری چون زنده‌یادان پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، جلیل شهنواز استادت کسالی و آهنگسازان برتری که در قید حیات هستند چون کامکارها، حسین علیزاده و... در انزوا و سکوت به سر می‌برند و ارگان مهمی چون صدا و سیما که بانی رسالت اطلاع‌رسانی و پخش بوده و هست این هنرمندان را نادیده گرفته است. نادیده گرفتن این هنرمندان با توجه به پیشینه‌ای که در انقلاب اسلامی و پیشرفت فرهنگی و هنری به‌ویژه موسیقی اصیل ایرانی در جامعه داشته‌اند به ترویج و اشاعه موسیقی‌های بدون محتوا چه از نظر ملودی و چه از نظر صنعت شعری کمک کرده است. صدا و سیما با توجه به کمبود فضای موسیقایی در پخش، مبادرت به پخش موسیقی پاپ کرده و از آنجا که گوش انسان احتیاج به تربیت درست دارد به این گونه موسیقی بی‌محتوا عادت کرده و ناشران بخش‌های خصوصی را هم درگیر سرمایه‌گذاری روی این گونه آثار کرده است. نکته مهم دیگر ایجاد فضاهای رشد و پرورش اجرایی برای موسیقی نوازندگان است که از آن جمله می‌توان به کمبود سالن‌های اجرای موسیقی اشاره کرد. آن‌ها هم با وجود ظرفیت‌های بسیار موسیقی پاپ، مردم ترجیح می‌دهند به دیدن کنسرتی بروند که بتوانند هیجان خود را تخلیه کنند به جای آنکه بنشینند و از موسیقی جدی و با هدف لذت‌بردند و باز برمی‌گردیم به سیاست‌های نامناسب برنامه‌گذاران و تهیه‌کنندگان و قول شاعر سرشناس پروین اعتصامی: وای به حال جامعه‌ای که فرهنگش راهبرش نباشد

جامعه‌ای که فرهنگ کهنش دست‌خوش این گونه کسلیقه‌گی‌ها شده، از ادبیات گفتارش در محاوره‌ها گرفته تا برخورد اجتماعی و پوشش ظاهری و سلیقه شنیداریش نمی‌تواند بهتر از این باشد و با ادامه این‌گونه سیاست‌ها باید از بین رفتن فرهنگ و هنر این مملکت را بیه انتظار بنشینیم! کنسروی که فرهنگش در زمره کهن‌ترین تمدن‌های جهان بوده و به همه تمدن‌ها راجع است. باید به فرزندان خود بیاموزیم چگونه ببندیشند، رفتار کنند، ببینند، بشنوند، بگویند و با فرهنگ کهن خود آشنی کنند. شاید چراغ راهی باشد برای نسل آینده کشور عزیزمان ایران.



عکس نوشت

محمدرضا لطفی و هوشنگ ابتهاج همه مرغان هم‌آواز پرآکنده شدند. آه ازین باد بلخیز که زد در چمن شمرن من باد ساز تو آوازی داشت



اجرای آینده

نویای تار حسین علیزاده با «ترت» شنیدنی شد

آلبوم «ترت» متشکل از پداه‌نوازی‌های تار حسین علیزاده با همراهی تنبک پژمان حدادی در فروشگاه‌های موسیقی عرضه شد. در این اثر حسین علیزاده تارنوازی کرده و به این ترتیب نخستین آلبوم تار حسین علیزاده بعد از یک دهه منتشر خواهد شد.

این اثر ام‌سسه فرهنگی و هنری «قطره تعریف» منتشر کرده است. «ترت» در ماه‌های سه‌گانه و راست پنج‌گانه و بر اساس اجرای مشهد و تربت حیدریه است که بر اساس حال و هوای ویژه‌ای که در اجرای آن وجود داشت، علیزاده تصمیم به انتشار آن گرفته است. این آهنگساز و نوازنده، همواره اعتقاد بسیاری بر اجراهای زنده و به‌خصوص اجرا در شهرستان‌ها دارد و حس موجود در این اجراها را بسیار خاص توصیف می‌کند. او این روزها تور کنسرت‌های خود را در شهرهای مختلف اروپایی به اجرا می‌آورد. برنامه‌های او از شهر «پورتال» آلمان آغاز شده و در «فانکورت» به پایان می‌رسد. «پهنام سامانی» نوازنده‌سازهای کوبه‌ای و «صبا علیزاده» نوازنده کامنچه، حسین علیزاده را در این اجرا همراهی خواهند کرد. به غیر از شهرهای «پورتال» و «فانکورت»، او در شهرهای مونپخ، فرایبورگ، مادرید، کلن، برلین و هامبرگ نیز به اجرای برنامه خواهد پرداخت. این تور کنسرت‌ها نیز بر پایه‌های نوازی خواهد بود.



خبر روز

محمد سریر: رسانه ملی ذائقه موسیقایی مردم را تغییر داد

محمد سریر نوازنده و آهنگساز پیشکسوت موسیقی با اشاره به فعالیت‌های جدیدش در عرصه موسیقی می‌گوید: طی سال‌های گذشته به‌ویژه در دو، سه سال اخیر چند کار را به بازار موسیقی وارد کردم اما جریانی وجود دارد که به دلیل روند انماسانی که در برخی از فضاها وجود دارد مشغول فشار آوردن به نوع کاری است که ما انجام می‌دهیم در واقع این جریان سعی می‌کند آن موسیقی که ما تولید می‌کنیم به تدریج از جامعه حذف شود.

این نوازنده و آهنگساز معتقد است که بسیاری از دوستان و هنرمندان که به فعالیت‌های هنری‌تر و اصولی در حوزه موسیقی هستند و دلشان می‌خواهد اثرشان با گسترده‌تری بیشتری به عنوان یک اثر فرهنگی در جامعه مخاطبان معرفی شود، نظاره‌گر ایجاد فضایی هستند که به دلیل پخش فرایند برنامه‌های مختلف و غیر اصولی از رسانه ملی، مردم نیز ذائقه‌ای تغییر کرده دارند و نتیجه‌اش هم این شده که امروزه موسیقی خشونت‌رواچ بیشتری پیدا کرده و آرامشی در میان عموم این مخاطبان به لحاظ فهم شنیداری وجود ندارد. در حالی که ما به شدت نیازمند این آرامش هستیم و چه‌اگر برای مهم‌تر از موسیقی که می‌تواند به کمک این فضای منتهب بیاید.